

این متن نمونه ایست از توانایی بی مانند تک . . .

ای دل زجان گذر کن، تا جان جان بینی  
بگذار این جهان را، تا آن جهان بینی

تا نگذری ز دنیا، هرگز رسی بعقی؟  
آزاد شو از اینجا، تا بی گمان بینی

گر تو نشان بجویی، ای یار اندر این ره  
از خویش بی نشان شو تا تو نشان بینی

از چار و پنج بگذر در شش و هفت منگر  
چون از زمین برآیی، هفت آسمان بینی

هفت آسمان چو دیدی در هشتمین فلک شو  
پا بر سر مکان نه، تا لامکان بینی

در لامکان چو دیدی جانهای نازنینان  
بی تن نهاده سرها، در آستان بینی

بریند چشم دعوی، بگشای چشم معنی  
یکدم ز خود نهان شو، او را عیان بینی

ای نانهاده گامی، در راه نامرادی  
بی رنج گنج وحدت، کی رایگان بینی

هی های شمس تبریز، خاموش باش ناطق  
تا جان خویشتن را، زان شادمان بینی